

سیرت حوزہ اصفہان

دفعہ پنجم

محمد حواد نور محمد

مرکز تحقیقات و پایاہ ای حوزہ علمیہ اصفہان

سرشناسه	نور محمدی، محمد جواد، ۱۳۴۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	میراث حوزه اصفهان / به اهتمام محمد جواد نورمحمدی: [برای] مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
مشخصات نشر	اصفهان - مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۷.
فروست	(مجموعه منشورات)؛ ۲
شابک	۳۰۰۰۰ ریال: ج ۱: ۹-۹۲۹۷۴-۱۹۶۲ ج ۲: ۰-۹۶۰۸-۱۹۶۲
	۳۰۰۰۰ ریال: ج ۳: ۳۹۶۲-۱۹۶۱۰۸۶-۳۰۰۰۰ ریال: ج ۴: ۸-۲-۹۶۵۶۷-۱۹۶۲-۱۹۷۸-۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت	جلد سوم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	جلد چهارم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	ج ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیا).
یادداشت	جلد پنجم (چاپ اول: ۱۳۸۷) (فیا).
موضوع	اسلام - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	حدیث - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	فقه جعفری - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	قرآن - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	کتبشناسی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۶ م ۳ / س ۱۱ / BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷ / ۰۳
شماره کتابشناسی ملی:	۳۵۱۷۲-۸۲ م

■ میراث حوزه اصفهان / ج ۵

• به اهتمام	محمد جواد نورمحمدی
• پژوهش	بخش احیاء تراث مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه اصفهان
• ناشر	انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان
• لیتوگرافی	گلبن
• نوبت چاپ	اول / تابستان ۱۳۸۷
• شمارگان	۱۰۰۰
• بها	۷۰۰۰ تومان

مرکز بخش: اصفهان - خیابان شهید مطهری - ابتدای خیابان اردیبهشت

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

E-mail: info@hozeh.org

تلفن: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰-۵

WWW.hozeh.org

دورنگار: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰

هفت استفتای فقهی

شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی (۱۰۳۱)

تحقیق: علی صدرانی خونی

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلَامُ عَلٰى عَبْدِهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ صَفِيَّهِ وَ حَبِيْبِهِ مُحَمَّدٍ
وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ اَنطَاهِرِيْنَ

شیخ بهایی از عالمان پر آوازه عهد صفوی در نیمه دوم قرن دهم و سه دهه اول قرن
یازدهم هجری است.

آثار شیخ در علوم و فنون مختلف مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و اغلب به
صورت کتاب درسی در آمده است. مانند: فوائد الصمدیه در نحو، خلاصة الحساب در
ریاضیات، تشریح الافلاک و بیست باب در اسطرلاب در نجوم، الوجیزه در درایه،
جامع عباسی در فقه، زبدة الاصول در اصول فقه و غیره.

در نوشته حاضر عنوان آثار فقهی شیخ بهایی ذکر و پس از آن هفت استفتای فقهی از
وی برای اولین بار تقدیم ارباب نظر می‌گردد.

آثار فقهی شیخ بهایی

یکی از فنونی که شیخ در آن صاحب نظر بوده، فقه است. شیخ بهایی آثار چندی در

فقه، نگاشته که همه مورد توجه محققان و فقیهان قرار گرفته است. آثار فقهی شیخ بهائی بر چهار دسته است.

الف) آثار در تمامی ابواب فقه

آثاری که در آنها شیخ بنا داشته مسائل تمامی ابواب فقه را مورد بحث و بررسی قرار دهد. شیخ سه اثر در این موضوع نگاشته، به این عنوانها

۱- جامع عباسی: این کتاب اولین دوره فقه فارسی غیر استدلالی است که به صورت رساله عملیه نوشته شده و مورد مراجعه عوام و خواص شیعه قرار گرفته است. و بسیاری از مجتهدان با برخی حواشی که بر آن نوشته اند اجازه عمل به آن را به مقلدین خویش داده اند.^۱

۲- حبل المتین؛

۳- مشرق الشمسین؛

که هر دو ناتمام مانده و شیخ در بیان فرق میان آنها چنین گفته است:

«یمتاز کتابنا الموسوم بمشرق الشمسین عن کتابنا المرسوم بالحبل المتین بامور:

منها: اشتماله علی آیات الاحکام و البحث عن تفسیرها علی وجه لا مزید علیه، فهو جامع بین احکام الکتاب و السنة و کتاب الحبل المتین مختص بالسنة.

و منها: ذکر أسانید الاحادیث بتمامها كما هی مذکورة فی الاصول الاربعة المشهورة مع اختصار تام غیر مخلّ.

و منها: تصدیق کل حدیث برمز الاصل الذی نقل منه، لیسهل مراجعة الاصل عند الحاجة.

و منها: أن کلّ حدیث یحتاج الی توضیح و بیان، فبیانه مذکور فی ذیلہ متصلاً به من غیر فصل.

۱- سیمایی از شیخ بهایی در آینه آثار، محمد قصری (مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۵۳.

و یمتاز کتاب الحبل المتین عن هذا الكتاب بأمور:
 منها: اشتماله على ثلاثة أصناف من الاحادیث المعتمدة أعنى الصحاح و الحسان
 و الموثقات و اختصاص هذا الكتاب بالاحادیث الصحاح لا غیر.
 و منها: أنَّ الحبل المتین غیر مختص بالاحادیث الواردة فی الاصول الاربعة بل
 تشتمل کثیر من الاحادیث التی لم تضمنها تلك الاصول و هی منقولة فیها من غیرها من
 الكتب المعتمدة کأمالی و علل الشرایع و غیرها. و أما هذا الكتاب فجمیع ما تضمنه من
 الاحادیث فهو منقول من الاصول الاربعة و لیس فیہ شی من غیرها.
 و منها: إِنَّا بسطنا الکلام فی الحبل المتین فی کثیر من المطالب المهمة و اطلقنا عنان
 القلم فی مظان... فیها و اما فی هذا الكتاب فقد سلکنا جادة الایجاز و الاختصار و احلنا
 ما یحتاج من المباحث الی الاطناب علی ما حررناه فی ذلك الكتاب و الله سبحانه و لی
 التوفیق»^۱.

ب) شرح و حاشیه بر دیگر آثار
 آثاری که شیخ به صورت حاشیه و شرح بر آثار فقهی دیگر نوشته است، بدین
 ترتیب:

- ۴- حاشیه علی من لایحضره الفقیه؛
- ۵- شرح الفرائض النصیریة للمحقق طوسی؛
- ۶- شرح اثنی عشریه صاحب معالم؛
- ۷- حاشیه علی مختلف الشیعة للعلامة الحلّی.

ج) بیان یک یا چند مسئله فقهی
 آثاری که در بیان یک یا چند مسئله فقهی نوشته است، بدین ترتیب:

- ۸- رساله فی المواریت؛

۱- نقل از برگ اول نسخه خطی مشرق الشمین، نسخه ش ۵۳۲، مدرسه نمازی خوی.

۹- اثنی عرشیات الخمس فی الطهارة و الصلاة و الزکاة و الصوم و الحج؛

۱۰- رساله فی ذبائح اهل الكتاب؛

۱۱- رساله انکر؛

۱۲- رساله اتقيلة؛

۱۳- رساله فی استحباب السورة ردأ علی بعض معاصره؛

۱۴- رساله فی قصر الصلاة و اتمامها فی الاماکن الاربعة؛

۱۵- رساله فی احکام سجود التلاوة؛

۱۶- مقالة فیما لا تتم به الصلاة من الحریر؛

۱۷- مقالة فی امتناع الزوج عن مطلق الاستمتاع؛

(د) استفتائات شیخ بهایی

علاوه بر این آثار فقهی یاد شده، سؤالات مختلفی در موضوعات مختلف فقهی از محضر شیخ به عمل آمده و او به این سؤالات پاسخ داده است.

آنچه تاکنون از سوال و جواب های شیخ بهایی شناسایی شده، چنین است:

۱۸- الاسئلة الجزائرية (اجوبة مسائل الشيخ صالح الجزائري): جواب مسائل فقهی

که شیخ صالح بن حسن جزائری از شیخ بهائی پرسیده است. این سؤالات ۲۲ سؤال بوده که شیخ پاسخ داده است. آغاز آن چنین است.

«الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين»^۱

ششمین سؤال آن درباره مراتب معصومین علیهم السلام است. و خلاصه جواب شیخ بهائی این است که: حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله افضل خلایق است و بعد از آن حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از آنها امام حسن و امام حسین علیهما السلام افضل مردمان هستند. اما تعیین مراتب بین نه امام بعدی، بهتر آن است که در این مورد توقف کنیم.^۲

۱- کشف الحجب و الاستار، سید اعجاز حسین؛ ص ۱۶۴.

۲- الذریعة، آقا بزرگ تهرانی؛ ج ۲ ص ۸۰: التراث العربی فی خزانة المخطوطات مكتبة

۱۹- الاسئلة السطانية: سؤالاتی که شاه عباس الصفوی از شیخ بهایی پرسیده است.

این سؤالات به فارسی و پانزده سؤال است.^۱

۲۰- اجوبة مسائل الاهجی: بیست و دو پرسش است در تفسیر بعضی آیات و معنی

بعض روایات و مطالبی از فقه و کلام و ریاضی، که میرزا جان لاهیجی گیلانی از شیخ بهائی پرسیده و شیخ به آن‌ها پاسخ داده است.^۲

آغاز: «سؤالاتی که بندگان خلاصه افاضل اوان و زبده علمای زمان، مولانا حکیم میرزا جان لاهیجی از رکن الشریعة و مفتی الطريقة حجة الاسلام والمسلمین شیخ بهاء الدین محمد به جهت فتوی و استفسار و اخذ فتوی و امتحان کرده بودند و اجوبة حسنة که بندگان شیخ افاده نموده. السؤال الاول: قال الله تعالى: «و اذ قال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفة» لما شاور - سبحانه وتعالى - مع الملائكة قبل خلق آدم عليه السلام ان يجعله خلیفة فی الارض ثم خلقه و خلق حوا و امرهما بالسکون و الخلود فی الجنة و اکل ما شاءتا و نهاما عن قرب الشجرة المنوعة و الامر و النهی للوجوب، خصوصاً إذا کان الامر و الناهی هو الله سبحانه، فلو اطاعا بما امروا بما نهیا لزم أن یخلد فی الجنة أبداً، مع أن مشاورته مع الملائكة أن یجعله خلیفة فی الارض لا فی الجنة، فما الفائدة فی الأمر بالسکون و نهی القرب عن الشجرة و كونها یقربه من الظالمین. إلتمس من الشیخ المحقق المدقق جامع بین المعقولات و المنقولات أن یرشدنی إلى الصواب و تحقیق

→ آية الله العظمی المرعشی النجفی، سید احمد حسینی: ج ۱ ص ۹۶، نسخه‌های ش ۱۶۹۱ و ۶۴۰۳. ۱- الذریعة، آقا بزرگ تهرانی: ج ۲، ص ۸۴.

۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ج ۲ ص ۱۹۴، نسخه ش ۶۰۱، التراث العربی فی خزانه المخطوطات مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، سید احمد حسینی: ج ۱ ص ۸۶، جنگ فلسفی اسدالله دوانی (نسخه شماره ۶۶۰ مدرسه نمازی خوی) ص ۵۶۴- ۵۶۵ فقط سوال و جواب اول را دارد.

الحال أقرب.

الجواب: هذا سؤال جَيِّد ينبىء عن فطرة المَعِيَّة و فطنة لوزعيَّة و ليس اقتترانه بالجواب موجباً لإلحطاط رتبته و إنتقاص درجته. إعلم - وفقك الله لإرتقاء أرفع معارج الكمال - أن آدم و حوا إنما أمرا بالسكنى فى الجنة و هى أعم من الخلود و لا دلالة للعام على الخاص و الإضافات المتفقة يقوم بالمضافين ضعيفان و الأعراض كلها حادثة لأن محلها هو الجسم حادث، فقد سبق...

۲۱ - أجوبة مسائل ابن شدقم: سوال و جواب های فقهی و اعتقادی است که زین الدین علی بن حسن بن شدقم مدنی از شیخ بهایی پرسیده و شیخ به آن ها پاسخ داده است.^۱

۲۲ - أجوبة مسائل الثلاث (أجوبة مسائل شاه فضل الله): سه سوال و جواب است درباره سه آیه: «و ما انزل الله على الملكین»، «ربنا انى اسكنت من ذریتی» و «اولئک مبرؤون مما يقولون»^۲

۲۳ - هفت سؤال و جواب فقهی (که در همین نوشته بدان پرداخته میشود).

هفت سؤال و جواب فقهی

از جمله سؤال و جواب های باقی مانده از شیخ بهایی، هفت سؤال و جواب فقهی است که در اینجا متن آن تقدیم می شود. نسخه منحصر آن در ضمن جُنگ اسدالله بن

۱- التراث العربی فی خزانة المخطوطات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، سید احمد حسینی: ج ۱ ص ۷۸-۷۹، نسخه های ش ۱۱۱۸ و ۶۶۶۲ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ج ۲۷ ص ۱۱۵، نسخه ش ۱۰۶۶۲.

۲- التراث العربی فی خزانة المخطوطات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، سید احمد حسینی: ج ۱ ص ۸۶ نسخه ش ۴۰۷۷، و ج ۱ ص ۹۴ نسخه های ش ۱۰۰۳ و ۱۱۱۸: گویا رساله معرفی شده در فهرست دانشگاه طهران (ج ۱ ص ۴۲، نسخه ش ۹۱۸) نیز همین رساله است.

ظهیرالدین دوانی به دست ما رسیده است. اسدالله دوانی از شاگردان شیخ بهایی و از فیلسوفان شیعی سده یازدهم هجری است و تنها اثر شناخته شده از وی جنگ فلسفی است که در مدرسه نمازی خوی به شماره ۶۶۰ (و تصویر آن به شماره ۱۱۷۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم) نگهداری می شود. برای اطلاع از محتوای این جنگ به فهرست نسخه های خطی مدرسه نمازی خوی ص ۲۵۷ - ۲۶۰ مراجعه شود.^۱

این سوال و جوابها در صفحه ۴۸۴ - ۴۸۵ جنگ مذکور تحریر شده اند. سوالات یک یک طرح شده و شیخ ذیل هر کدام جواب آنها را نوشته است. امید که بتوانیم تمام این مجموعه سوال و جوابها را به اهل علم و ادب تقدیم کنیم.

والسلام

قم - علی صدرایی خویی

بسم الله الرحمن الرحيم

صورت هفت مسئله ای که شخصی از شیخ بهاء الدین رحمه الله استفتا نمود و شیخ در تحت هر سؤال جوابی نوشته.

سؤال اول: [الماء المباح الداخل بنفسه إلى الأرض المغصوبة]

ما يقول سيدنا - أطال الله بقاءه و كشف الله عمة الاسلام بهداء - في المباح الداخل بنفسه إلى الأرض المغصوبة هل على حكمه أو ينتقل إلى حكمها و أو زرع الغاصب في الأرض المغصوبة و دخل ماء مباحاً لإصلاح زرعه هل يملكه أم يبقى على الإباحة أم يصير كالأرض. بين نوجر.

جواب: الثقة بالله وحده.

مجرد دخول الماء المباح بنفسه إلى الأرض المغصوبة لا يصيره مغصوباً بل لا يصير بمجرد ذلك ملكاً لصاحب الأرض. نعم هو و الحالة هذه أولى به من غيره و لو سبق إليه الغير، فعل حراماً لكنه يملكه و نظير ذلك الصيد الموحل في أرض مملوكة فقد صرح الأصحاب - رضوان الله عليهم - بعدم تملكه بمجرد ذلك و نصّ الشيخ^١ و جماعة^٢ على ملك

١- النهاية، شيخ طوسي، ج ١، ص ٣٢٥.

٢- نهاية الأحكام، علامة حلي، ج ١، ص ٢٥٠.

الآخذ وإن فعل حراماً ومن هذا يعلم حكم انماء المستدخل إلى الأرض المفصوبة.
والله أعلم.

سؤال ثانى: [فيما لو وجب نزع جميع الماء]

وما يقول سيّدنا - صلّ الله به الاسلام وأمله - فيما لو وجب نزع جميع الماء هل يفى ضنّ الأغلبية ابتداءً في الرجوع إلى التراوح أم يجب النزع إلى أن تظهر الأغلبية ولو نزع بقصد نزع الجميع نصف نصاب التراوح ثم ظهرت الأغلبية هل يكفى إتمام ذلك النصاب أو يجب استيناف. أفد لازلت مفيداً.

جواب: الثقة بالله وحده.

الأنشبه الإكتفاء بظن الأغلبية في الرجوع إلى التراوح كما أنّ الأظهر في صورة الثانية الاكتفاء بإتمام النصاب وعدم وجوب الاستيناف. والله أعلم.

سؤال ثالث: [فى من وجب عليه السعى فى تحصيل الاجتهاد]

وما يقول سيّدنا فيمن وجب عليه السعى فى تحصيل الاجتهاد ولم يدرك بذلك إلى أن تأهل، هل يجب عليه طلاق الزوجات لذلك أم لا؟ ولو عقد والحال هذا على إمراة اخرى هل تحل له أم لا؟ ولو علم بالوجوب قبل التزويج وأهمل وتزوج هل تحل له المعقودة عليها على أنّها مانعة من الطلب أم لا؟

جواب: الثقة بالله وحده

طلاق الزوجات غير واجب عليه ولو عقد على أخرى حلّت له بغير مزيد ولو تزوّج مع العلم بأنّ التزويج مانع من الطلب فالتكاح صحيح. والله أعلم.

سؤال الرابع: [فى ماس نذر سورة معينة]

ولو نذر سورة معينة كالتوحيد مثلاً قبل علمه بالخلاف فى وجوب قراءة الجمعيتين فى

یوم الجمعة، هل له أن يقرأهما في الجمعة، تفصيلاً من الخلاف أم يلزمه ما نذر؟ ولو نسي التَّذْرَ و قرء غير المندورة في فريضة مثلاً هل ينحل نذره أم يجب عليه البقاء عليه؟

جواب: الثقة بالله وحده.

الأولى لزوم التَّذْر، فَإِنَّ قول الصدوق - طاب نراه - بوجوب الجمعيتين في الجمعة^۱ متروك، بل إنعقد الإجماع بعده على خلافه و ما هذا شأنه لا يخرج لأجله عن مقتضى التَّذْر ولو نسي التَّذْر و قرء غير المندورة إنتهى ذلك على إنحلال التَّذْر بالتَّسْيَان. و شيخنا الشهيد - قدس الله روحه - يميل إليه و الظاهر عدمه. أمّا لو قرء غير المندور فلا كلام في الإنحلال. والله أعلم.

سؤال خامس: [لو غصب إنسان أموالاً من أهل بلد]

ولو غصب إنسان أموالاً من أهل بلدٍ و خلطها بحيث لا يتميَّز و أهلها غير محصورين بل و لا معلومين و إن علم بعضهم، هل يجوز لمن وقع في يده شيء من ذلك التَّصَدِيق به عن مالكة أم لا؟

جواب: الثقة بالله وحده.

نعم. والله سبحانه أعلم.

سؤال سادس: [في مال مجهول المالك]

ولو كان في ذمّة شخص مالاً مجهول و لم يتصدّق عن مالكة بقدره و علم إصراره على ذلك، هل لمن ظفر بشي من ماله أن تصدّق به عنّ له عليه أم لا؟ ولو مات و الحال هذا ولم يوص هل يجوز التَّصَدِيق بشيء من ماله عن أهل ذلك المال أم لا؟

جواب: الثقة بالله وحده.

إن ظفر بعين ذلك المال و آيس من التوصل إلى مالكة فلا مندوحة عن التَّصَدِيق به عنه.

۱- من لا يحضره الفقيه، شيخ طوسی، ج ۱، ص ۴۱۵.

أما لو ظفر بغيره من أموال ذلك الشخص فالظاهر وجوب ردّه على مالكة و عدم التصدّق به و أمّا لومات و لم يوص بالتصدّق و علمنا عدم تصدّق الوارث لم يبعد القول بجواز تصدّق من في يده منه شيء و الفرق ظاهر عند التأمل. والله أعلم

سؤال سابع: [فى ما وقع فى مسجد تراب مفضوب]

لو وقع فى مسجد تراب مفضوب و لم تميّز و لم يمكن إخراجه إلّا بقلع طبقة من أرض المسجد، هل يجب ذلك أم لا؟

جواب: الثقة بالله وحده.

القول بجواز ذلك إذا لم يمكن إسترضاء صاحب التراب غير بعيد عن الصواب. والله أعلم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

صورت هفت مسئله است که بحثی از شیخ بهاء الدین رحمة الله استقامت و
 شیخ دعوت هر سوالی جوابی نوشته سوال اول ما بقول سید الطائفة بقائه
 و کشفه حق الاسلام و هذا فی المباح الداخل بنفسه الى الارض المخصوصة هل علی
 حکم ارتفاق بالحکما ولو رجع الفاضل فی الارض المخصوصة فکمل بانسابها فکذا
 زمر هل علیک امر شی علی الاباخذ امر صیرک الارض بین نوح جواب الله
 وحده مجرد دخول الماء المباح بنفسه الى الارض المخصوصة لا صیر مخصصاً
 بل لا صیر مجرد ذلك ملک الصاحب الارض فهو والمحال هذه اولی مرتب غیره
 سبق الیه البیاض هل انما کنه علیک ونظیر ذلك الصید المتوحد فی ارضه هل یعد
 صرح الاصحاب رضوان الله علیهم بعد وکلی مجرد ذلك وخص شیخ بانه علی
 ملک الاخذ له وان صلح انما من هذا یعلم حکم الماء المستدخل الى الارض المستوی
 والله اعلم سوال ثانی وما یقول سیدنا اصلحه الله واصلح به الاسلام واهله فاما
 لو وجب نزع جمیع الماء هل یکن نزع الاغلیبة ابتداء فی الرجوع الى الترویج ام یجب
 الترویج الى ان تظهر الاغلیبة ولو ترجع بقصد نزع الجمیع نصف نصاب الترویج
 ظهرت الاغلیبة هل یکن انما ذلك النصاب ام یجب الاستیفاء فکذا ثانیاً
 جواب التقریر بالله وحده الاشبه الاکفاء بظن الاغلیبة فی الرجوع الى الترویج
 کان الاظهر فی صورة الثانية الاکفاء باتمام النصاب وصدور وجوب الاستیفاء
 والله اعلم سوال ثالث وما یقول سیدنا فیمن یجب علیه الترویج بحسب الاجتهاد
 ولم یرد بذلک الی ان تامل علی ثلاث الرقعات لذلك المار الا واعد
 والمحال هذا علی امثلة اخرى هل یخل المار لا ولو علم بالوجوب قبل الترویج واهل
 وتریج هل یخل له المعتقد وعلیهما علی انما نافع من الطلب لا جواباً لبقائه
 وحده طلاق الرقعات غیر واجب علیه ولو عقد علی اخرى حلت له بغير ریزین
 لو ترجع مع العلم بان الترویج مانع من الطلب لکن صحیح والله اعلم سوال اول